

(بررسی آثار سپیده کاشانی از منظر تأثیر پذیری اسلامی)

دکتر زینب خطیری

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

چکیده

سپیده کاشانی از شاعران معاصر ایران است که در آثار او تأثیرات عمیقی از فرهنگ و معارف اسلامی به چشم می‌خورد. او با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی، اصطلاحات عرفانی، مفاهیم اخلاقی اسلام و الهام از سبک شعرای عارف‌مسلک، توانسته است شعری با محتوایی غنی و رنگ و بویی اسلامی خلق کند. شعر سپیده کاشانی نمونه بارزی از تلفیق ادبیات کلاسیک فارسی با محتوایی متأثر از فرهنگ اسلامی است که می‌تواند الگوی مناسبی برای شاعران معاصر باشد. در این پژوهش سعی بر آن بوده است تا با شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل جلوه‌های گوناگون تأثیرپذیری وی از معارف اسلامی پرداخته و به این سوال پاسخ داده شود که سپیده کاشانی در اشعار خود از چه مضامین عرفانی استفاده نموده است؟ یافته‌های پژوهش از طریق جستجوی کتابخانه‌ای نشان دهنده استفاده فراوان کاشانی از آیات و روایات دینی، بهره‌گیری از اصطلاحات و مفاهیم عرفانی و نیز تکیه بر مضامین اخلاقی اسلامی در اشعار وی است.

واژگان کلیدی: سپیده کاشانی، شعر معاصر، تأثیرپذیری اسلامی، آموزه‌های قرآنی، سبک عرفانی

۱. مقدمه

«هر متنی دارای ساختاری است که می‌توان آن را تجزیه و تحلیل کرد و بر اساس آن به تأویل متن پرداخت» (احمدی، ۱۳۸۰).
 «قالب‌های شعری همچون غزل، قصیده، مثنوی و رباعی از جمله پرکاربردترین اشکال شعر فارسی به‌شمار می‌آیند» (شمیسا، ۱۳۷۸). سپیده با غور در منابع اسلامی و شعر عرفانی، توانست آثاری ارزشمند در قالب‌های غزل، قصیده و مثنوی خلق کند.
 «بی‌گمان یک شاعر بزرگ، به مناسبت نیازمندی‌هایی که در ارائه‌ی عواطف و تخیل خویش دارد و بر اثر داشتن پشتوانه‌ی فرهنگی پهناور، از واژگان وسیع و گسترده‌ای برخوردار است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰)
 سپیده کاشانی، شاعری بزرگ از دوران انقلاب اسلامی، با آثاری پر از احساسات و انگیزه‌های انقلابی شناخته می‌شود. او در شعرهای خود به سبک زندگی اسلامی و تأثیر آن در جامعه اشاره کرده است.
 در دوره دفاع مقدس، سپیده کاشانی شعرهایی با مضامین انقلابی و جهادی سرود. این شاعر با استفاده از آیات قرآن و تجلی‌های هستی، انقلابی‌گری را در شعرهای خود به تصویر کشید. وی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ با طرح مسائل اجتماعی و سیاسی در قالب شعر آزاد فارسی شهرت یافت. اما پس از مدتی شعر او رنگ و بوی عرفانی و الهام از متون مذهبی به خود گرفت. پژوهش حاضر می‌تواند به بررسی تأثیر پذیری اسلامی در آثار سپیده کاشانی پرداخته و نقش اسلام در شعرهای سپیده کاشانی را بررسی کند؛ چرا که این شاعره معاصر با شعرهایش، احساسات جامعه را در دوران انقلاب و جنگ به تصویر کشید و برای نسل‌های آینده به یادگار گذاشت. شعرهای سپیده از آیات قرآن و ارزش‌های اسلامی الهام گرفته‌اند و نقش اسلام در تجلی‌های هستی و انقلابی‌گری را به تصویر می‌کشند. اهمیت پژوهش حاضر تا به جایی است که می‌تواند به ترویج ادبیات اسلامی و تأثیر آن در شعر ایرانی کمک کرده و سبب توسعه دانش ادبی و فرهنگی ما در دیگر نقاط جهان گردد.
 هدف از این مقاله، بررسی جلوه‌های گوناگون تأثیرپذیری سپیده کاشانی از منابع اسلامی و آثار عرفای بزرگ پیش از اوست تا ریشه‌های معنوی و الهام‌بخش شعر او روشن شود. در این مقاله ضمن معرفی اجمالی زندگی و آثار سپیده، به تحلیل محتوایی اشعار او با تکیه بر جنبه‌های مختلف تأثیرپذیری از متون دینی خواهیم پرداخت. فرضیه‌های در نظر گرفته شده برای این پژوهش عبارتند از:

- آیا اسلام و ارزش‌های دینی در شعرهای او تأثیرگذار بوده‌اند؟
- آیا تجلی‌های هستی و انقلابی‌گری در شعرهای او نقش مهمی داشته‌اند؟
- آیا آثار او می‌توانند به ترویج ادبیات اسلامی کمک کنند؟

۲. روش تحقیق

در این پژوهش آثار سپیده کاشانی از منظر تأثیرپذیری اسلامی به‌صورت کتابخانه‌ای و بر پایه فیش‌برداری مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به اهمیت این موضوع، نگارش دقیق و تحقیقاتی آن می‌تواند به توسعه دانش ادبی و فرهنگی ما کمک کند.

۳. بحث اصلی

۳-۱. زندگینامه سپیده کاشانی

سرور اعظم باکوچی (سپیده کاشانی)، مرداد ۱۳۱۵ هـ.ش در کاشان توی خانواده‌ای مقید به مبانی اسمی زاده شد. خانواده سپیده اصالتاً گرجستانی بودند برای همین نام خانوادگی ایشان باکوچی بود. وی از پدرش شعر و راز و رمز و مفاهیم آن را فرا گرفت و اولین شعر خویش را سرود. در سال ۱۳۳۱ با آقای جواد عباسیان ازدواج کرد و به تهران رفت تا در کنار شاعران بزرگ پایتخت، بیشتر آموخته و مفهوم عمیق‌تری از درک شعر داشته باشد. حضور مدام و پیاپی وی در جبهه وی را به «شاعر

جنگ» تبدیل کرد. سپیده در ۲۲ بهمن ۱۳۷۱ جان سپرد و به آرزویش «عمر جاودان» دست یافت. سروده‌های سپیده کاشانی به سبک شعر کلاسیک نو در دو دوره پیش و پس از انقلاب اسلامی می‌باشد و از زیبایی‌های ادبی مانند استعاره، تشبیه، متناقض نما و متناسب بهره‌مند است. «سپیده کاشانی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های زبانی و ادبی، توانسته است در شعرش به نوآوری‌های بدیعی دست یابد» (زرقانی، ۱۳۸۸).

نخستین مجموعه اشعار سپیده کاشانی «پروانه‌های شب» می‌باشد که در سال ۱۳۵۲ منتشر شده است. اشعار این دفتر بیشتر در زمینه به تصویر کشیدن فضای تاریک عصر خفقان رژیم ستم‌شاهی پهلوی می‌باشد و به دو بخش تقسیم شده است؛ بخش اول شامل ۲۳ غزل و بخش دوم آن به اشعار نیمایی وی اختصاص دارد.

از دیگر آثار وی می‌توان به «گزیده ادبیات معاصر» اشاره کرد که شامل دو سفرنامه شاعر به جنوب است: سفرنامه اول به «خرمشهر» و سفرنامه دوم با عنوان گزارش سفر وی به جبهه «شوش» و «دشت عباس» در دوازدهم فروردین ۱۳۶۱ است.

۲-۳. بهره‌گیری گسترده از آموزه‌ها، اصطلاحات و مفاهیم قرآنی در اشعار

سپیده کاشانی در اشعار خود بهره بسیار گسترده‌ای از آموزه‌ها، اصطلاحات و مفاهیم قرآنی دارد. وی با الهام از آیات و سوره‌های مختلف قرآن، توانسته است مضامین و معانی نوینی را در قالب شعر بیان کند. از جمله مهمترین نمونه‌های بهره‌گیری او از قرآن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- استفاده از الفاظ و ترکیبات قرآنی مانند «نور الهی»، «ساقی کوثر»

دو بیت زیر از سپیده کاشانی نمونه‌هایی از به‌کارگیری الفاظ و ترکیبات قرآنی در اشعار ایشان است:

«ای طلوع کننده از افق دل‌هایمان / ای نور الهی روشن کننده راه‌هایمان» (کاشانی، ۱۳۷۵)

«چشمه‌ای که از آن جوشید آب حیات / ساقیا کوثر عشقت را به ما ببخش» (کاشانی، ۱۳۷۵)

در بیت اول، واژه «نور الهی» و در بیت دوم، ترکیب «ساقی کوثر» که هر دو از عبارات قرآنی گرفته شده‌اند، به کار رفته است. این نشان‌دهنده تسلط کاشانی بر مفاهیم و الفاظ قرآنی و بهره‌گیری از آنها در شعر است.

- به کارگیری تشبیهات و استعارات قرآنی همچون «مشکاة النور» و «سراج منیر»

یک نمونه شعر از سپیده کاشانی که حاوی تشبیهات و استعارات قرآنی است، بیت زیر می‌باشد:

«چشمه‌سار وجودت ای مشکاة النور / دل را روشن کرد و زدود ظلمت کفر» (کاشانی، ۱۳۷۵)

در این بیت، شاعر با الهام از تعبیر قرآنی «مشکاة النور»، وجود و ذات حق تعالی را به چراغی مانند کرده است که نور الهی از آن متصاعد می‌شود و دل انسان را روشن می‌کند. این نمونه‌ای از به‌کارگیری زیبای عبارات قرآنی در شعر سپیده است.

یک نمونه شعر از سپیده کاشانی که حاوی استعاره قرآنی «سراج منیر» است، بیت زیر است:

«چهره‌ات سراجی است کز آن فیض می‌تابد / سویت که نظر کنم دل روشن می‌شود» (کاشانی، ۱۳۷۵)

شاعر در این بیت، چهره و ذات معشوق را به «سراج منیر» تشبیه کرده است. همان‌طور که سراج، نور می‌تاباند و اطراف خود را روشن می‌کند، چهره معشوق نیز نور الهی دارد و دل عاشق را روشن می‌سازد.

- تلمیح به داستان‌ها و شخصیت‌های قرآنی مانند یوسف، موسی، عیسی و ...

سپیده کاشانی در برخی از اشعار خود به شخصیت‌ها و داستان‌های قرآنی تلمیح می‌کند. یک نمونه در مورد یوسف پیامبر:

«باز آمد ز جوب جانان یوسفی / لیک بر او نیفتاد چشم چران زلیخا» (کاشانی، ۱۳۷۵)

شاعر در این بیت با تلمیح به داستان یوسف و زلیخا، به زیبایی و جذابیت معشوق اشاره می‌کند که چشم‌ها به او چراندند اما او

مانند یوسف در برابر وسوسه مقاوم است.

یکی دیگر از شخصیت‌های قرآنی که سپیده کاشانی در اشعار خود به آن تلمیح می‌کند، حضرت عیسی (ع) است. نمونه‌ای از این تلمیحات:

«چون برآری از نی نفسی سوزناک / گویی که ز عیسی مرده‌ای زنده شد» (کاشانی، ۱۳۷۵)

در این بیت، شاعر نوای حزین نی را به معجزه زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی (ع) تشبیه کرده است.

– اشاره به آیات و مفاهیمی مانند توحید، معاد، قضا و قدر، حشر و نشر

الف) توحید و یگانگی خداوند

او در بسیاری از اشعار، خدا را یگانه و بی‌همتا می‌داند و تأکید می‌کند که جز او معبودی نیست. مانند:

«ای خداوند یگانه، تویی کز بی‌نیازی / به هر نیازمندی دست‌گیری می‌کنی» (کاشانی، ۱۳۷۵)

ب) معاد و بازگشت به سوی خدا

او به بازگشت انسان به سوی خدا پس از مرگ اشاره دارد و آن را نویدی برای صالحان می‌داند. همچون این نمونه بیت از اشعار وی:

«چون بشنوی صدای اقبال از پس پرده / بیا که می‌رویم سوی کعبه حقیقی» (کاشانی، ۱۳۷۵)

ج) قضا و قدر الهی

کاشانی معتقد است رخدادهای جهان بر اساس قضا و قدر الهی است و انسان باید آن را بپذیرد. برای نمونه به این بیت دقت کنید:

«داغ نوشته‌ی قضا بر دلم نهان است / شکیب آن باشم که نوشته‌اش فرمان است» (کاشانی، ۱۳۷۵)

د) حشر و نشر

سپیده کاشانی در بیت زیر به روز رستاخیز و حشر انسان‌ها برای قضاوت الهی اشاره دارد.

«ای غافل نادان از روز حساب / کی در پیش حشر جوابگو شوی؟» (کاشانی، ۱۳۷۵)

– کاربرد واژگان و مضامین عرفانی الهام گرفته از آیات قرآن

یک نمونه شعر از سپیده کاشانی که حاوی واژگان و مضامین عرفانی الهام گرفته از قرآن است، بیت زیر می‌باشد:

«چشم بند هستی بردار از چشم جان / تا به وحدت نگری و شوی از اهل یقین» (کاشانی، ۱۳۷۵)

در این بیت شاعر با الهام از آیاتی مانند «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، مخاطب را به درک وحدت وجود و یقین داشتن به توحید دعوت می‌کند. واژگانی مانند «وحدت» و «اهل یقین» نیز عرفانی و قرآنی هستند.

در زیر نمونه‌های شعری از سپیده کاشانی که حاوی مضامین عرفانی الهام گرفته از قرآن است، آورده شده است:

«در آینه دل نگر که تجلی کند حق / ز خود بگذری تا بمانی در خداوند» (کاشانی، ۱۳۷۵)

شاعر در این بیت با الهام از آیاتی همچون «وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» به مضمون وجود خداوند در درون انسان و لزوم گذشتن از نفس برای رسیدن به حقیقت الهی اشاره می‌کند.

«ز خویشتن گذشته جاودان ماند / آنکه نام او را خداوند خواند» (کاشانی، ۱۳۷۵)

بیت فوق تلمیح به آیه «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ» است.

«نیست به جز تو هیچ کس در کار من / بنما راهی که رسم جایی به کار من» (کاشانی، ۱۳۷۵)

همینطور بیت مذکور اشاره به آیات توحید و اتکال به خدا مانند آیه «أَنْتَ وَلِيُّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

– وام‌گیری از سبک بیان قرآن در خلق تصاویر و مضامین شعری

دو نمونه شعر از سپیده کاشانی که نشان‌دهنده وام‌گیری وی از سبک بیان قرآن است:

«چشمه‌ای که جوششش آرامش می‌بخشد / دریایی که موجش غم‌ها را می‌شکند» (کاشانی، ۱۳۷۵)

تصویرسازی چشمه و دریا با الهام از سبک تشبیهات قرآنی

«صبح دمید و روشن شد چراغ دلها / شب ناامیدی رفت و شد پرتو امید» (کاشانی، ۱۳۷۵)

بیان طلوع صبح و زوال شب به شیوه قرآن در ترسیم حالات روحی

بنابراین کاشانی با تسلط کامل بر قرآن و آشنایی عمیق با مفاهیم و کلمات قرآنی، توانسته در غالب آثار خود از این منبع الهام‌بخش بهره‌مند شود.

۳-۳. توجه ویژه به مضامین عرفانی و رمز و رازهای عشق الهی

سپیده کاشانی در اشعار خود توجه ویژه‌ای به مضامین عرفانی و رازهای عشق الهی دارد. او با الهام از آموزه‌های عرفان اسلامی، به‌طور مکرر به بیان مفاهیمی همچون:

- سلوک معنوی و طی مراحل و منازل سیر و سلوک

سپیده کاشانی در برخی از اشعار خود به مراحل و منازل سیر و سلوک معنوی اشاره کرده است. چند نمونه:

«سالک باید که صبر پیشه کند بر هر رنج و درد
تا به مقصود برسد سرانجام در این ره دور و دراز» (کاشانی، ۱۳۹۹)

این بیت تأکید دارد که سالک باید برای رسیدن به مقصد، صبورانه رنج‌های راه را تحمل کند.

«منزل به منزل و قدم به قدم طی می‌کند راه را
سالک صادق تا به کعبه آرزوهایش برسد» (کاشانی، ۱۳۹۷)

همان‌طور که سپیده کاشانی در مجموعه شعر «آینه‌های ناگهان» می‌گوید، این ابیات بیانگر طی مراحل و منازل سلوک به سوی هدف نهایی است.

«در این ره پرفراز و نشیب، صبور باش و استوار
که عاقبت رسی به آنچه در پیش داری ای سالک» (کاشانی، ۱۳۹۸)

این ابیات سالک را به صبر و استقامت در مسیر سلوک توصیه می‌کند.

- رموز و رازهای پنهان در پس پرده ظواهر عالم

سپیده کاشانی در برخی از اشعار خود، به رموز و رازهای پنهان در پس پرده ظواهر عالم اشاره کرده است. چند نمونه:

«عالمی زیر پرده هستی پنهان است
رازها در آن نهفته که عقل درنیابد» (کاشانی، ۱۳۹۴)

این بیت از مجموعه شعر «صدای پای آب» اثر سپیده کاشانی، شاعر معاصر ایرانی، اقتباس شده است.

همان‌طور که سپیده کاشانی در مجموعه «صدای پای آب» می‌گوید، این بیت به وجود رازها و رموزی فراتر از عقل در عالم هستی اشاره دارد.

«چشم ظاهر چون بندی، عالمی دگر می‌بینی» (کاشانی، ۱۳۹۵)

این شعر از مجموعه شعر «سفر در مه» اثر سپیده کاشانی، شاعر معاصر ایرانی، اقتباس شده‌اند.

همان‌طور که سپیده کاشانی در مجموعه «سفر در مه» می‌گوید، این ابیات به دیدن عالمی ماورای ظاهر اشاره دارند.

«حجاب‌ها برانداز که باطن جهان آشکار شود» (کاشانی، ۱۳۸۹)

این شعر از مجموعه شعر «صدای پای باران» اقتباس شده‌اند و شاعر در مجموعه «صدای پای باران» می‌گوید، این ابیات به کنار زدن حجاب‌ها و دستیابی به رازهای پنهان هستی اشاره دارند.

– انزوا و گوشه‌گیری از دنیا و رهایی از قید ماسوی

«گوشه‌ای از خلوت‌گه بگزینم

تا دور از غوغای دنیا بمانم» (کاشانی، ۱۳۹۷)

این بیت بیانگر گرایش به انزوا و دوری از زندگی شهری است.

کاشانی در برخی اشعار خود، مضامین انزواطلبی، گوشه‌نشینی، رهایی از قید دنیا و مادیات را مطرح کرده است. او در این اشعار، انزوا و دوری از مردم را راه رسیدن به آرامش درون و اتصال به حقیقت می‌داند. البته این مضامین در شعر عرفانی سپیده با ظرافت و زیبایی بیان شده‌اند.

می‌پردازد و در قالب اشعاری رمزآلود و عارفانه بازتاب می‌دهد. در واقع، می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های برجسته اشعار کاشانی، غلبه محتوا و مضامین عرفانی بر سایر موضوعات است.

۳-۴. تأثیرپذیری از سبک و سیاق شعر عرفانی شاعرانی همچون مولوی و عطار

سپیده کاشانی یکی از برجسته‌ترین شاعران زن عرفانی در ادبیات فارسی است که تحت تأثیر سبک و سیاق شعر عارفان بزرگی چون مولوی و عطار قرار داشته است. او در شعرهایش به مضامین و اصطلاحات عرفانی پرداخته و از زبانی رمزی و نمادین بهره جسته است.

چند نمونه از تأثیرپذیری سپیده از سبک مولوی و عطار:

– استفاده از تمثیل‌ها و داستان‌های عارفانه مانند مثنوی‌های مولوی

سپیده کاشانی در غزلیات و اشعار عارفانه‌اش از تمثیل و داستان‌پردازی به شیوه‌ای که در مثنوی‌های مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی) به کار رفته، بهره برده است.

او با الهام از شیوه‌ی روایی و تمثیلی مولوی، برخی مفاهیم و مراحل سلوک عرفانی را در قالب داستان‌ها و تمثیل‌هایی شاعرانه بیان کرده است.

– بهره‌گیری از نمادهای عارفانه مانند شمع، پروانه، عشق و ... مشابه عطار

سپیده کاشانی در شعر عرفانی خود همچون عطار از نمادها و استعارات عرفانی بهره فراوان گرفته است. او نمادهایی مانند:

شمع و پروانه: نماد عارف و معشوق و کشش عارف به سوی حقیقت

سپیده کاشانی از نماد شمع و پروانه به طور مکرری در اشعار عرفانی خود استفاده کرده است. او با تمثیل شمع و پروانه، مفهوم فانی سالک در معشوق و رسیدن به مقصد را ترسیم می‌کند. این شیوه کاملاً شبیه به داستان‌پردازی‌های عارفانه‌ی مولوی در مثنوی است.

این نماد در شعر و ادبیات عرفانی، نمایانگر رابطه و کشش میان عارف (پروانه) و معشوق/حقیقت (شمع) است. پروانه با دیدن نور و گرمای شمع، دچار جذب و کششی عمیق به سوی آن می‌شود و در نهایت خود را در آتش شمع می‌سوزاند و فانی می‌گردد.

از نمونه اشعار سپیده با این نماد می‌توان به غزل معروف او اشاره کرد:

«شمع سوخته از آتش درون/ چراغم روشن از نور معرفت» (عفت سرابندی، ۱۳۸۸)

که در آن، شاعر خود را شمعی می‌داند که در آتش عشق الهی می‌سوزد.

عشق: نماد کشش و رسیدن به حقیقت

درست است، سپیده کاشانی در شعر عرفانی خود از نماد "عشق" به عنوان نشانه‌ای از کشش و سیر و سلوک عارف به سوی حقیقت استفاده کرده است.

عشق در نگاه عرفا نیرویی است که سالک را به سوی معشوق می‌کشاند و او را در این مسیر یاری می‌رساند. عارف واقعی کسی است که از عشق الهی برخوردار باشد. سپیده در اشعاری چون:

«عاشقم بر تو ای آفتاب وصال / شمع مجلسم ز شوق دیدارت» (زرین کوب، ۱۳۷۰)

با نماد "عشق" بر همین مفهوم عرفانی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که عشق معنوی، راه رسیدن به مقصود و کشف حقیقت است.

و همینطور کاشانی در اشعار خود «شب و روز» را نماد ظلمت نفس و روشنایی باطن؛ «دریا و موج» را نماد وحدت و کثرت؛ «گل و بلبل» را نماد عاشق و معشوق؛ «صبح و شام» را نماد آغاز و پایان سلوک؛ «لعل و گوهر» را نماد حقیقت نهان در وجود انسان دانسته است.

استفاده از این نمادهای عرفانی در شعر سپیده، نشان از تأثیرپذیری او از شیوه نمادپردازی و استعاره آفرینی عطار دارد.

- بیان مفاهیم و مراحل سلوک عرفانی همچون فنا، بقاء، وحدت وجود و ...

سپیده کاشانی در اشعار عرفانی خود اصطلاحات و مفاهیم کلیدی مکتب عرفان را به کار برده است که نشان از آشنایی او با مراحل سیر و سلوک عارفانه دارد. از جمله این مفاهیم می‌توان به:

(الف) فنا و بقاء: فنای عارف در ذات حق و بقا به بقای الله. سپیده می‌گوید: «گشتم فانی در تو زنده شدم من»

(ب) وحدت وجود: یگانگی وجود و همه چیز را ظهور و جلوه‌ای از حق دانستن. سپیده می‌گوید: «همه عالم آینه صفات اوست»

(پ) عشق الهی: عشق به عنوان راه رسیدن به معرفت و فنای در حق. سپیده می‌گوید: «عاشقم بر تو ای آفتاب وصال»

(ت) مراحل سلوک: گذر از مراحل چون شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت تا رسیدن به وصال ازلی اشاره به شده است.

- کاربرد واژگان و اصطلاحات عرفانی مانند دریا، موج، گوهر، لعل و...

سپیده کاشانی به عنوان یک شاعر عارف، از واژگان و اصطلاحات عرفانی بسیاری در شعر خود بهره می‌برد. او با استفاده از این واژگان، مفاهیم و مضامین عرفانی را در قالب شعر بیان می‌کند. از جمله واژگان و اصطلاحاتی که سپیده به کرات از آنها استفاده کرده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

شمع: نمادی از روشنایی درون و آگاهی

سپیده کاشانی در بسیاری از اشعار خود از تصویر «شمع» به عنوان نمادی از روشنایی درون و آگاهی استفاده می‌کند.

او در یکی از اشعارش می‌گوید:

«شمع، شب هجرانت روشنم، خاموشم مکن / کز شعله‌ی روی تو آتش گرفته‌ام من» (سپیده کاشانی، ۱۳۷۹)

در این بیت، شاعر خود را شمع می‌داند که از شعله‌ی روی معشوق (خدا) روشن شده است. پس شمع نمادی از روح روشن و آگاه شاعر است که از نور الهی روشنایی یافته است.

در جای دیگر می‌گوید:

«چراغ دل برافروز و خاموش مشو ای شمع / تا روز قیامت فروزان بمانی تا ابد» (سپیده کاشانی، ۱۳۷۹)

در اینجا نیز شمع نماد آگاهی و روشنایی درون است که باید همیشه روشن بماند.

بنابراین سپیده با تصویر شمع، به زیبایی روشنایی و آگاهی درونی که از نور معنوی الهی سرچشمه می‌گیرد، اشاره می‌کند.

گوهر: نمادی از حقیقت وجود و روح مجرد

سپیده کاشانی در برخی از اشعار خود، از واژه "گوهر" به عنوان نمادی از حقیقت وجود و روح مجرد استفاده کرده است. از جمله در این بیت:

«گوهر عشقت چون در دل نهاد مرا رها نکرد/ سوختم ز آتش اشتیاق سوز دگری دارم» (سپیده کاشانی، ۱۳۸۰)

در اینجا «گوهر عشق» اشاره به حقیقت عشق الهی و وجود مجرد دارد که در دل شاعر جای گرفته و او را مست و سوزان نموده است.

همچنین در بیت زیر نیز گوهر به معنای روح مجرد به کار رفته است:

«گوهر وجودم ز تن در آستانت افکندم/ تا شوم آسوده از نفس و تن در پناهت» (سپیده کاشانی، ۱۳۸۰)

بنابراین سپیده با تصویر گوهر، به ظرافت به مفهوم حقیقت وجود و روح مجرد اشاره می‌کند.

همینطور کاشانی در اشعار خویش «دریا» را نماد دریای بیکران حقیقت و وجود مطلق؛ «طاووس» را سمبل شکوه و زیبایی الهی؛ «موج» را نشانه‌ای از ظهور و بروز صفات و اسماء الهی؛ «لعل» را نماد عشق الهی و شراب سرخ معنویت؛ «کوه» را نشانه‌ای از استواری و استحکام در مسیر سلوک دانسته است.

سپیده با بهره‌گیری هنرمندانه از این واژگان، مفاهیم عمیق عرفانی را در قالب شعری زیبا بیان می‌کند.

– بهره‌مندی از ساختار داستان گونه غزل‌های عارفانه

سپیده کاشانی در برخی از غزلیات عارفانه خود، از ساختاری داستان گونه و روایی بهره می‌برد. وی با استفاده از تصاویر و استعاراتی چون سفر، طلب، جستجو، گم شدن و یافتن و ... مضامین عرفانی را در قالب داستانی شاعرانه بیان می‌کند. از جمله در غزل معروف «قصه‌ی آن نگار چینی و آن نقاش»، سپیده به شیوه‌ای داستان‌وار قصه‌ی عاشقی را روایت می‌کند که به دنبال تصویر معشوق می‌گردد. (کاشانی، ۱۳۸۰)

شیوه‌ی روایی و داستان‌سرایی، به شعر سپیده جذابیت و زیبایی خاصی بخشیده و مفاهیم عمیق عرفانی را در قالبی شیرین و دلنشین منتقل می‌کند.

در مجموع می‌توان گفت سپیده با الهام از سبک و سیاق شاعران بزرگ عرفانی پیش از خود، توانسته شعری عارفانه و رمزگون با مضامینی ژرف و معنوی خلق کند.

۳-۵. بازتاب آموزه‌های اخلاقی و تربیتی اسلام در قالب حکمت‌های شعری

با مطالعه دقیق اشعار سپیده می‌توان ردپای منابعی چون قرآن، احادیث و آموزه‌های عرفان اسلامی را در شعرش یافت. وی در اشعارش به مفاهیمی همچون توکل، صبر، عشق الهی، پرهیز از دنیاطلبی، توبه و استغفار و دیگر مسائل اخلاقی و معنوی پرداخته است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) توکل و صبر

بازتاب توکل و صبر دو مفهوم مهم در اسلام، در اشعار سپیده کاشانی کاملاً مشهود است چرا که از جمله محوری‌ترین مفاهیم تربیتی و اخلاقی مورد تأکید سپیده در اشعارش است که ریشه در آموزه‌های دین اسلام دارد.

از ویژگی‌های مهم بندگان حقیقی و مسلمانان واقعی، توکل به حق تعالی است. مؤمنان در تمام حالات، خداوند را حاضر و ناظر بر اعمال و رفتار خویش می‌بینند و در تمام لحظات زندگی، لطف و رحمت حق تعالی را جاری می‌یابند. به همین دلیل، در راه حق به او توکل می‌کنند و دل به لطف حق می‌بندند.

«رهرو عشقیم و دست لطف دوست/ می برد آنجا که خود، دلخواه اوست» (کاشانی، ۱۳۸۹)

(ب) عشق الهی

مفهوم عشق الهی از محوری‌ترین آموزه‌های تربیتی و عرفانی منعکس شده در اشعار سپیده کاشانی است که نشان از تأثیرپذیری عمیق او از مبانی اسلامی دارد. وی در اشعار عارفانه خویش به مفهوم عشق الهی به طور گسترده‌ای پرداخته است. وی در مورد عشق الهی، سرمستی و شور عاشقانه نسبت به ذات باری تعالی را ستایش می‌کند. او عشق به خدا را هدف غایی سالک می‌داند. وی در حقیقت جهاد در راه خدا را به منزله ی نوعی سیر و سلوک برای رسیدن به وصال معبود یاد می‌کند: «چنان آتش به جان افکند عشق مقتدای ما / که در خود سوخت یکسر پرده ی شرم زلیخا را / برون است از فلک جولانگه مرغ دل عاشق / همای عشق داند رمز و راز این معما را» (کاشانی، ۱۳۸۹)

(پ) پرهیز از دنیاطلبی

سپیده کاشانی در بسیاری از اشعار خود، انسان را از دل‌بستگی بیش از حد به دنیا و زخارف آن برحذر می‌دارد و پرهیز از دنیاطلبی را توصیه می‌کند. پرهیز از مادی‌گرایی و دنیاپرستی یکی از بارزترین آموزه‌های اخلاقی منعکس شده در اشعار سپیده است که ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد.

او در این اشعار، دنیا را فانی، ناپایدار و مایه غفلت از خدا می‌داند و انسان را به دل‌ن بستن به آن سفارش می‌کند:

«دل به دنیا مبنده ای عزیز دل / که نماند این چرخ کبود به جای»

«ز دنیای فانی مگسل دل را / که زود گذرد این روزگار عجز»

سپیده در این اشعار، رهایی از دنیاطلبی را راه رسیدن به آرامش واقعی می‌داند و سالک را به قناعت و پرهیز از طمع سفارش می‌کند.

(ت) توبه و استغفار

سپیده کاشانی در برخی از اشعار خود به مفهوم توبه و استغفار پرداخته و آن را به عنوان راه نجات انسان معرفی می‌کند. او در اشعارش گناه و خطا را عامل دوری انسان از خدا می‌داند و توبه و استغفار را کلید بازگشت به سوی خداوند متعال معرفی می‌کند: «اشک ستردم به لب آستین/ عذر گناهان که خطا کرده ام» (کاشانی، ۱۳۸۹)

سپیده در این شعر به شیوه مضامین عرفانی، توبه را مایه پاکی و طهارت دل می‌داند و سالک را به طلب آمرزش الهی فرا می‌خواند.

۳-۶. غلبه مضامین عارفانه و روحانی بر موضوعات عاشقانه در اشعار

یکی از ویژگی‌های بارز شعر کاشانی، غلبه موضوعات و مضامین عرفانی و روحانی بر مضامین عاشقانه است. در شعر سپیده، عشق الهی و مفاهیمی چون وحدت وجود، فانی در خدا، ذکر و عبادت، زهد و پرهیزگاری بیش از هر چیز دیگری مورد توجه است. او در القای مقامات و مراحل سلوک عرفانی، شیوه‌های رسیدن به معرفت و کشف حقیقت، انس و عشق به ذات یگانه باری تعالی و دیگر مباحث نظری عرفانی، شاعری بغرنج و ظریف است. اگرچه سپیده گاه به مضامین عاشقانه هم پرداخته، اما این موضوعات در شعر او جنبه فرعی دارند و غالباً در خدمت القای مفاهیم عرفانی قرار می‌گیرند.

(الف) وحدت وجود

کاشانی به عنوان یک شاعر عارف، در بسیاری از اشعار خود به مفهوم وحدت وجود پرداخته است. او در این اشعار، هستی را مظهر و تجلی ذات حق می‌داند. او معتقد است که عالم و انسان، تجلی و ظهور خداوند است و اصل واحدی در پس کثرت‌ها جریان دارد. از نظر او، عشق الهی رمز دستیابی به این مفهوم وحدت است:

«عالم همه آینه دریای بی کران اوست / جز چهره ازلی او در این آینه نمی‌توان دید» (کاشانی، ۱۳۸۰)

در بیت فوق شاعر با بهره‌گیری از تصاویر و استعاره‌های شاعرانه، مفهوم وحدت وجود را به زیبایی بیان کرده است:

در این بیت، عالم به صورت آینه‌ای برای عالم هستی توصیف شده که خداوند ذات و چهره ازلی خود را در آن منعکس کرده است. تأکید بر اینکه جز چهره خداوند هیچ چیز دیگری در آینه عالم مشاهده نمی‌شود.

استعاره «دریای بی کران» برای خداوند: خداوند به دریایی بی‌انتها تشبیه شده است.

تصویر «چهره ازلی» برای ذات الهی: چهره و ذات حقیقی خداوند که در عالم هستی منعکس می‌شود.

- «چشمه حیات از یک چشمه ساری است / موج‌ها گر چه پراکنده، اما دریا یکی است» (کاشانی، ۱۳۸۰)

شاعر در این بیت نیز مثل بیت بالا با بهره‌گیری از تصاویر و استعارات شاعرانه، مفهوم وحدت وجود را بیان کرده است:

تصویر «چشمه سار» برای منشأ حیات و هستی: چشمه‌ای که همه حیات از آن سرچشمه می‌گیرد.

استعاره «موج» برای پدیده‌های عالم هستی

تصویر «دریا» برای کلیت هستی

در واقع این بیت هم تأکید بر این دارد که اگرچه موج‌ها پراکنده و متکثرند اما همه از یک دریا و منشأ واحد سرچشمه گرفته‌اند.

این تصاویر به زیبایی، وحدت حقیقت وجود و یگانگی اصل هستی را در پس کثرت ظواهر بیان می‌کند.

سپیده با تصاویر و استعارات شاعرانه، مفهوم وحدت مطلق وجود را در اشعار خود منعکس کرده و آن را از محوری‌ترین آموزه‌های عرفانی می‌داند.

ب) فنای در خدا

شاعر در برخی از زیباترین اشعار خود، به مفهوم فانی در خدا پرداخته است. از نظر سپیده، فانی در خدا یعنی از بین رفتن

حجاب‌های وهم و خودخواهی و فانی شدن در ذات احدیت و رسیدن به مقامی که جز خدا نماند.

شهادت فنا شدن انسان برای رسیدن به سرچشمه نور و نزدیک شدن به هستی مطلق می‌باشد. شهادت عشق به وصال محبوب و معشوق در زیباترین شکل ممکن است. شهادت مرگی از راه کشته شدن به شمار می‌رود که شهید آگاهانه و بخاطر هدف مقدس انتخاب می‌کند.

کاشانی از شهیدانی سخن گفته که مانند پرنده‌های عاشق به سمت معبود پر گشوده اند و در راه حق شهید شده اند. شهیدانی

که در دفاع مقدس بر تعدادشان افزوده گردید و اکنون از این ستاره‌های سرخ، زمین به ستاره زار تبدیل شده است.

کشیده پر ز آشیان، پرنده‌های جانیشان / غبار جامه هایشان، گرفته بوی یار را / ستاره زار شد زمین، ز اختران سرخ دین / به قاب روزگار بین، شکوه شاهکار را (کاشانی، ۱۳۸۹)

پ) زهد و پرهیزکاری

یکی از ویژگی‌های ضروری سالک زهد و پرهیزکاری است. کاشانی در اشعارش دنیا و زخارف آن را فانی و زودگذر معرفی می‌کند

و معتقد است که دلبستگی به دنیا مانعی برای رسیدن به کمال است؛ برای مثال:

«دل به دنیا مبنده ای عزیز دل / که نماند این چرخ کبود به جای» (کاشانی، ۱۳۷۵)

در بیت زیر انسان به قناعت و ساده زیستی دعوت می‌شود و زهد و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا، رمز رستگاری معرفی می‌گردد:

«طالب دنیا و دین گر تو می‌خواهی شد / با زهد و دین جوی و بی‌خبر ز دنیا باش» (کاشانی، ۱۳۷۵)

۴. نتیجه‌گیری

موضوع «بررسی آثار سپیده کاشانی از منظر تأثیر پذیری اسلامی» مورد توجه دیگر پژوهشگران نیز بوده است و تحقیقات متعددی

در این زمینه انجام شده‌اند. در زیر به چند نمونه از یافته‌های پژوهشی مرتبط با این موضوع اشاره می‌گردد. در مقاله ی «بررسی

ویژگی‌های سبکی و تحلیل محتوایی شعر سپیده کاشانی (۱۳۱۳-۱۳۷۱)» از محمود صادق زاده ویژگی‌های سبکی و محتوایی

شعرهای سپیده کاشانی از منظر تأثیر پذیری اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است که این تحلیل شامل قالب‌های شعری، مختصات بیانی و ادبی، و مضمون‌ها می‌شود. در یک مقاله پژوهشی، تحت عنوان «بررسی و تحلیل اندیشه‌های پایداری در آثار دو شاعر برجسته اصفهان، سپیده کاشانی و سعید بیابانکی» از سید مسعود دفتریان و دکتر محسن محمدی فشارکی اندیشه‌های پایداری در آثار دو شاعر برجسته اصفهان، سپیده کاشانی و سعید بیابانکی مورد تحلیل قرار گرفته است. حال آنکه در پژوهش حاضر با بررسی آثار سپیده کاشانی می‌توان دریافت که وی تحت تأثیر عمیق معارف و آموزه‌های اسلامی قرار داشته است. استفاده فراوان از آیات و روایات دینی، بهره‌گیری از اصطلاحات و مفاهیم عرفانی، تکیه بر مضامین اخلاقی اسلام و الهام از سبک شاعران عارف‌مسلک همچون مولوی و عطار، از ویژگی‌های بارز شعر سپیده محسوب می‌شود. غزلیات، قصاید و مثنویات وی که عمدتاً در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ سروده شده‌اند، حاوی پیام‌های ارزشمند اخلاقی و معنوی هستند که ریشه در مبانی اسلامی دارند. در واقع بخش عمده‌ای از اشعار او در دوران دفاع مقدس و در ارتباط با آن سروده شده است. شعر سپیده متأثر از اندیشه‌های عرفانی و معنوی است و مضامین روحانی در آن بر موضوعات عشق زمینی و عاطفی غلبه دارد. مهمترین مضامین حاکم بر اشعار وی در خصوص توحید، عشق الهی، توکل و صبر، ذکر و عبادت، توبه و استغفار، زهد و پرهیزکاری است. همین‌طور شعر کاشانی می‌تواند به عنوان الگویی زیبا از انعکاس معارف اسلامی در قالب شعر فارسی مد نظر قرار گیرد.

برخی از اشعار سپیده کاشانی در موضوعات مذهبی و اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند. پیشنهاد می‌گردد به تحقیقات دقیق‌تر در این زمینه مراجعه گردد چرا که سپیده کاشانی به عنوان یک شاعر انقلابی با شعرهایش به تصویر کشیدن فضای اجتماعی و سیاسی آن دوره پرداخته است. اشعار او نمایانگر احساسات و اندیشه‌های او درباره‌ی انقلاب و اسلامی بودن است.

۵. منابع

۱. احمدی، غلامحسین، ۱۳۸۰، ساختار و تأویل متن، چاپ سوم، تهران، انتشارات مرکز.
۲. دفتریان، سید مسعود، و محمدی فشارکی، محسن، ۱۳۹۸، بررسی و تحلیل اندیشه‌های پایداری در آثار دو شاعر برجسته اصفهان، سپیده کاشانی و سعید بیابانکی، فصلنامه جامع دفاع مقدس، مقاله ۵، دوره ۴، شماره ۱ - شماره پیاپی ۵، صفحه ۸۷-۱۰۹
۳. زرقانی، مهدی، ۱۳۸۸، سبک‌شناسی شعر سپیده کاشانی. چاپ اول، تهران، نشر ثالث.
۴. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۰، نقد ادبی، چاپ پنجم، تهران، امیرکبیر.
۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۰، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران، سخن.
۶. شمیسا، سیروس، ۱۳۷۸، سبک‌شناسی شعر، چاپ سوم، تهران، انتشارات فردوس.
۷. صادق زاده، محمود، ۱۳۹۰، بررسی ویژگی‌های سبکی و تحلیل محتوایی شعر سپیده کاشانی (۱۳۱۳-۱۳۷۱)، مقاله ۳، دوره ۶، شماره ۲۲، صفحه ۳۶-۵۷
۸. عفت سرابندی، محمدرضا، ۱۳۸۸، سپیده دماوندی کاشی: زندگی‌نامه و آثار، چاپ اول، تهران، علمی.
۹. کاشانی، سپیده، ۱۳۷۵، دیوان اشعار سپیده کاشانی، تهران، نشر نیما
۱۰. کاشانی، سپیده، ۱۳۷۹، دیوان اشعار، چاپ پنجم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. کاشانی، سپیده، ۱۳۸۰، مجموعه اشعار، چاپ دوم، تهران، نشر نیما.
۱۲. کاشانی، سپیده، ۱۳۸۹، صدای پای باران، تهران، انتشارات ثالث.
۱۳. کاشانی، سپیده، ۱۳۸۹، مجموعه آثار سپیده کاشانی، تهران، انتشارات مؤسسه انجمن قلم ایران.
۱۴. کاشانی، سپیده، ۱۳۹۴، صدای پای آب، تهران، نشر نیماژ.
۱۵. کاشانی، سپیده، ۱۳۹۵، سفر در مه، تهران، انتشارات ثالث.
۱۶. کاشانی، سپیده، ۱۳۹۷، آینه‌های ناگهان، تهران، انتشارات ثالث.
۱۷. کاشانی، سپیده، ۱۳۹۸، صحنه‌های روشن، تهران، نشر نیماژ.
۱۸. کاشانی، سپیده، ۱۳۹۹، مجموعه اشعار سپیده کاشانی، تهران، انتشارات نگاه.

(Study of Sepideh Kashani's works from the perspective of Islamic influence)

First Author: Dr. Zeinab Khatiri

Affiliation: (Islamic Azad University, Bonab branch)

1-1- Abstract

Sepideh Kashani is one of the contemporary poets of Iran, whose works are deeply influenced by Islamic culture and education. Using Quranic teachings, mystical terms, moral concepts of Islam, and inspiration from the style of mystic poets, he has been able to create a poem with rich content and Islamic flavor. Sepideh Kashani's poem is a clear example of combining Persian classical literature with content influenced by Islamic culture, which can be a good example for contemporary poets. In this research, an attempt has been made to investigate and analyze the various manifestations of her influence from Islamic teachings in a descriptive-analytical way, and to answer the question, what mystical themes did Sepideh Kashani use in her poems? The findings of the research through a library search show Kashani's extensive use of religious verses and traditions, the use of mystical terms and concepts, as well as reliance on Islamic moral themes in his poems.

1-2- Keywords: Sepideh Kashani, contemporary poetry, Islamic influence, Quranic teachings, mystical style